

برآورد درستی آزمایی آزمون طلاق عاطفی

دکتر رضا پورحسین^۱

دانشیار روان شناسی دانشگاه تهران

فهیمة بیدست^۲

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی دانشگاه تهران

چکیده

یکی از مهم ترین انواع طلاق، طلاق عاطفی است که در هیچ کجا به ثبت نمی رسد و نمود عینی ندارد در حالی که در خیلی از خانواده ها وجود دارد. با توجه به اینکه هیچ ابزاراندازه گیری برای سنجش میزان طلاق عاطفی در جمعیت ایرانی وجود ندارد، هدف این پژوهش طراحی و ساخت آزمون طلاق عاطفی و برآورد درستی آزمایی آن بوده است. برای انجام پژوهش تعداد ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل به شکل تصادفی از میان زنان و مردان متأهل در دسترس شهر تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه ی محقق ساخته ی طلاق عاطفی پاسخ دادند. این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال و در مقیاس طیف لیکرت از "خیلی زیاد" تا "خیلی کم" طراحی شده است. اعتبار صوری این مقیاس توسط ۵ نفر از اساتید روان شناسی مجرب در حد بالا برآورد شد. نتایج تحلیل آماری بر روی داده ها نشان داد که آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۸۴ می باشد که در حد قابل توجه و بیانگر همسانی درونی آزمون است. یافته ها همچنین نشان می دهد که توان این مقیاس در سنجش طلاق عاطفی بالاست و همبستگی درونی بین سوالات با یکدیگر نیز در حد بالایی توصیف شده است.

واژه های کلیدی: طلاق، طلاق عاطفی، آزمون، درستی آزمایی

^۱.prhosein@ut.ac.ir

^۲.fahimeh.bidast@yahoo.com

مقدمه

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین و تضمین می کند. خانواده جایگاهی است که فرد می تواند با تکمیل شخصیت خویش برای به عهده گرفتن نقش اجتماعی اش در جامعه آماده گردد (ریاحی، علیوردی نیا و بهرامی کاکاوند، ۱۳۸۶). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰). هر جامعه ی در حال توسعه در روند تحول خود با موانع گوناگونی برخورد می کند که هر کدام به نوبه خود سبب رکود این تحول می شود. شیوع و گسترش آسیب های اجتماعی از جمله موانعی است که باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه های جامعه ی انسانی می شود. طلاق از جمله عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری را برای افراد جامعه داشته و می تواند منشأ بسیاری از آسیب های اجتماعی باشد (دلشاد و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهش های متعددی نشان دهنده ی آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است (پیران، ۱۳۶۹). اثرات طلاق بر روی فرزندان شامل افزایش احتمال خطر ابتلا به ناسازگاری های روان شناختی و افت عملکرد در مدرسه می باشد. از اثرات طلاق در بزرگسالان می توان کاهش رضایت از زندگی، آشفتگی های روان شناختی، کاهش سلامت روانی، خشونت و خودکشی را نام برد (استاک^۱، ۲۰۱۲). طلاق به عنوان آفت ازدواج تلقی می شود. طلاق به طور قانونی تصویب شده تا به ازدواجی که قانوناً صورت گرفته ولی دارای صلاحیت نیست پایان دهد (بامرین^۲، ۲۰۱۲). ریچارد اوردی، نویسنده ی کتاب "زمینه ی اجتماعی ازدواج" چنین می نویسد: با کاربرد شیوه های گوناگون در شناخت روابط خانوادگی ملاحظه می شود که در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ازدواج هایی که برای اولین بار منعقد می شود به طلاق، ترک یا انحلال خانواده منتهی می شود (ساروخانی، ۱۳۷۶). طلاق والدین تجربه ی دشواری برای نوجوانان است و یک سری تغییرات را در زندگی خانوادگی ایجاد می کند (امری، بیم و راون^۳، ۲۰۱۱). دگرگونی در فضای عاطفی خانواده در رفتار کودک تأثیر دارد، تغییر

1. Stack

2. Baumrin

3. Emery, Beam & Rowen

حالت‌های پدر و مادر و تند خویی یا افسردگی آنها در کنش متقابل پدر و مادر و کودک تأثیر می‌گذارد (داگلاس، ۱۳۸۳). به اعتقاد پل بوهانان (Paul Bohannon) چنانچه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک زندگی و نگرش باید طی شود. او شش مرحله‌ی متداخل طلاق را متمایز می‌سازد که زوجی که از یکدیگر جدا می‌شوند ناچارند آنها را پشت سر بگذارند، همه‌ی این مراحل ممکن است دشواری‌ها و تنش‌هایی پدید آورد که بر زن و شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستان آنها تأثیر گذارد.

۱. طلاق عاطفی: بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوال است، تنش فزاینده‌ی زن و شوهر معمولاً به جدایی می‌انجامد.
 ۲. طلاق قانونی: متضمن زمینه‌ها و دلایلی است که بر پایه‌ی آن به ازدواج پایان داده می‌شود.
 ۳. طلاق اقتصادی: به تقسیم ثروت و دارایی‌ها مربوط می‌شود.
 ۴. طلاق هماهنگی میان والدین: مسائل نگهداری کودک و حتی ملاقات را در بر می‌گیرد.
 ۵. طلاق اجتماعی: به تغییر در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می‌شود که فرد طلاق گرفته با آن سروکار دارد.
 ۶. طلاق روانی: از طریق آن فرد باید پیوند‌ها و وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن روبه‌رو شود (بخارایی، ۱۳۸۶).
- ملاحظه می‌شود که طلاق عاطفی سرچشمه‌ی انواع دیگر طلاق است و بیانگر روابط زناشویی رو به زوال است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (اولسن و دفراین^۱، ۲۰۰۶). زن و شوهر اگرچه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می‌شود که در آن هریک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می‌دهد (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹). طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است.

¹. Olson & Defrain

همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می کنند و هر یک به دنبال یافتن دلایلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (لاور و لاور^۱، ۲۰۰۷). طلاق عاطفی نتیجه ی فقر عاطفی ناشی از فرسایش عاطفی است (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۲). طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط صحیح و سالم بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی در سطح کوچک (خانواده) می تواند در بعد وسیع تر (جامعه) نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود بنیان های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می شود (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰).

طلاق عاطفی مربوط به خانواده هایی است که به علت اعتقادات سنتی و عرفی یا برخی باورهای نادرست و نگرش های منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان و یا ناتوانی در تامین نیازهای زندگی تصمیم می گیرند که به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند. در چنین اوضاع نابسامانی، زن، انزوا طلبی اختیار کرده و خود را شریک زندگی نمی داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی ادامه می دهد.

بسیاری از زوج ها با هم زندگی می کنند ولی از وجود و درون هم خبری ندارند. قطع روابط عاطفی نتایج پنهان و ناگفته های بسیار دارد که نباید آن را دست کم گرفت. بسیاری از خانواده ها مشکلات زندگی زناشویی را به دست گذر زمان می دهند که به گفته خودشان بعدا درست می شود، بعدا با آمدن فرزند بهبود پیدا می کند، اما بی اهمیت جلوه دادن مشکلات و مسائل و موکول کردن آنها به گذشت زمان می تواند سایه مشکلات را گسترده تر کند. در جامعه امروز تعهد به زندگی برای زنان به همان شکل که برای خیلی از زنان قدیمی تر که دارای قداست و ارزش بود، همچنان قداست و ارزشمند است و اغلب زنان امروز به هیچ طریق حاضر نیستند کانون خانواده را رها کنند. در این شرایط بیشترین آسیب به روح و روان کودک وارد می شود و اوست که باید این شرایط را تحمل کند.

در این اوضاع نابسامان، کودک قربانی تسویه حساب های والدین می شود. کودکان طلاق اگر در ظاهر سالم بمانند و به معضلات اجتماعی از قبیل جرایم و جنایات، مواد

¹. Laur & Laur

مخدر و الکل و غیره کشیده نشوند باز شادی و سرزندگی خود را از دست می دهند و مسلماً نمی توانند پدر و مادرائی بهتر از پدر و مادران خود برای فرزندان باشند. این کودکان در شرایط پیش آمده زندگی خود احساس تنهایی، سرخوردگی و بی پشتوانگی می کنند (بخارایی، ۱۳۸۶).

ضرورت و هدف ساخت مقیاس: هدف، ساخت آزمونی برای سنجش طلاق عاطفی بوده است. طلاق عاطفی یا طلاق خاموش، جدایی اعلام نشده میان زن و شوهری است که زیر یک سقف زندگی می کنند. آنها خانواده اند، اما بیگانه از هم اند و حتی وجود فرزندان هم این جدایی و بیگانگی را زایل نمی کند. نکته جالب این است که زن و مرد، هر دو با مهارت سعی می کنند این مسئله را از دیگران و بخصوص بچه ها پنهان کنند. با توجه به اینکه طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه دارد و با در نظر گرفتن این نکته که علیرغم توجه به طلاق، مسئله طلاق عاطفی کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است و تا کنون هیچ آمار رسمی در این زمینه موجود نیست ساخت ابزاری برای سنجش میزان این نوع طلاق ضروری است، زیرا نه تنها یک آسیب روحی و روانی برای افراد به بار می آورد بلکه یک آسیب اجتماعی تلقی می شود. به همین دلیل تصمیم گرفته شد آزمونی ساخته شود تا چگونگی ارتباط بین زوجین را مورد ارزیابی قرار دهد که به نوعی برآورد میزان رابطه عاطفی در طیفی از پیوند عاطفی تا طلاق عاطفی باشد. هدف دیگر، برآورد روایی آزمون است. مقصود از روایی آن است که ابزار اندازه گیری بتواند فقط خصیصه مورد نظر را اندازه بگیرد. روایی موضوعی است بحث انگیز و پیچیده، که به ویژه در پژوهش های علوم رفتاری و اجتماعی اهمیت فراوانی دارد (هومن، ۱۳۹۰). در اینجا از طریق سنجش روایی صوری، روایی محتوایی و بررسی ثبات درونی با محاسبه ی ضریب آلفای کرونباخ روایی آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. لذا با ساخت و اجرای این آزمون انتظار می رود که خانواده ها نسبت به این مسئله آگاهی بیشتری پیدا کنند و مسئولین مربوطه و روان شناسان توجه جدی به این امر مهم داشته باشند و اقدامات لازم را انجام دهند. مثلاً برگزاری کلاس های مشاوره برای افراد قبل از ازدواج و آگاه کردن جوانان نسبت به ضرورت شرکت در این کلاس ها و...

روش

جامعه آماری و نمونه: جامعه آماری این پژوهش را کلیه افراد متأهل شهر تهران تشکیل داده اند که از این میان تعداد ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل به صورت تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه ی محقق ساخته پاسخ دادند .

مقیاس: مقیاس طلاق عاطفی دارای ۳۲ جمله است که از افراد در مورد چگونگی رابطه با همسرشان سوال شده است و هر شخص باید وضعیت هر گزاره را در خود به صورت خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، و یاخیلی کم مشخص کند. در این آزمون به ازای هریک از گزینه ها، نمراتی به آزمودنی تعلق می گیرد. نمره ۵ برای گزینه خیلی زیاد و نمره ۱ برای گزینه خیلی کم در نظر گرفته شده است. بر این اساس، نمرات آزمون طلاق عاطفی بین ۱ تا ۵ متغیر خواهد بود.

تحلیل آماری: برای تحلیل یافته های پژوهش از مشخصه های آماری که روایی و همسانی درونی را با استفاده از محاسبه ی ضریب آلفای کرونباخ می سنجد، استفاده شده است .

یافته ها

درستی آزمایی: درستی آزمایی یک مفهوم بسیط و واحد است و با معنا بودن، مناسب بودن و مرتبط بودن استنباط های انجام شده از نمرات یک آزمون را نشان می دهد (پورحسین و خسروی ، ۱۳۹۰). اعتبار صوری بیانگر این است که آیا آزمون صفت یا صفات مورد نظر را می سنجد یا خیر. اعتبار صوری یا اعتبار ذهنی، بررسی کل و مواد آزمون توسط افرادی است که در این زمینه تخصص دارند. در این آزمون، درستی آزمایی محتوایی و صوری توسط پنج تن از اساتید مجرب این حوزه ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته است. به این صورت که ابتدا یک فرم ۶۳ جمله ای از آزمون سنجش طلاق عاطفی ساخته شد که دارای ۵ گزینه در مقیاس طیف لیکرت بود. این آزمون در اختیار اساتید مربوطه قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا به هر سؤال بر اساس اینکه آن سؤال تا چه اندازه ارزیابی کننده ی طلاق عاطفی است نمرات ۱ تا ۵ بدهند. به این ترتیب که نمره ی ۱ بیانگر عدم ارزیابی طلاق عاطفی و نمره ی ۵ بیانگر ارزیابی طلاق عاطفی در حد بالا است. بدین صورت اعتبار صوری آزمون سنجیده شد .

جدول ۱: میزان اعتبار صوری آزمون (N=۵)

میانگین درصد توافق اساتید	گزینه
۷۰,۱۴	زیاد و خیلی زیاد

همسانی درونی : در همسانی درونی به دنبال آن هستیم که آیا آزمون مورد نظر سازه ی مورد سنجش را به درستی و با ثبات می سنجد یا خیر. برای این منظور از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفا بالاتر از ۰,۸ (۰,۸۸۴) بدست آمد که بیانگر معناداری و همسانی درونی بالا می باشد.

جدول ۲: ضریب آلفا

تعداد آیتم	آلفای کرونباخ
۳۲	۰/۸۸۴

بحث و نتیجه گیری

یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است؛ کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، جدایی یا بی میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهر های طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهر ها و درگیری ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی. اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر اما کشف نشده به طلاق های عاطفی اختصاص دارد. شاید دو برابر آمار طلاق های قانونی را بتوانیم به طلاق های عاطفی اختصاص دهیم (بخارایی، ۱۳۸۶).

با این حال هیچ مقیاس اندازه گیری دقیقی برای ارزیابی طلاق عاطفی وجود ندارد بنابراین هدف مطالعه ی حاضر طراحی و ساخت آزمون طلاق عاطفی و برآورد روایی این آزمون بوده است. همان طور که ذکر شد ابتدا آزمون طلاق عاطفی توسط محقق طراحی شده و برای برآورد روایی در مرحله ی اجرا قرار گرفت . نتایج نشان می دهند که آزمون طلاق عاطفی ۳۲ جمله ای از اعتبار صوری و درستی آزمایی بالایی برخوردار است. همانطور که نتایج جدول ۱ نشان می دهد میزان

بالای اعتبار محتوایی (۰,۷۰,۱۴) بیانگر آن است که این آزمون می تواند طلاق عاطفی را ارزیابی نماید. همچنین با توجه به میزان بالای ثبات درونی با مشخصه ی آلفای کرونباخ (۰,۸۸۴) این آزمون دارای ثبات درونی بالا و درستی آزمایی خوبی است. ثبات درونی آزمون، انسجام و همبستگی درونی آن را بیان می کند.

بر اساس تحلیل آماری این پژوهش، همه سوالات آزمون برای ارزیابی طلاق عاطفی قوی و مناسب هستند. این آزمون از ۳۲ جمله تشکیل شده است که این جملات گزاره هایی هستند که می توانند چگونگی ارتباط فرد با همسرش و وجود یا عدم وجود طلاق عاطفی را ابراز دارند و دارای انسجام و همبستگی درونی بالایی می باشند. بنابراین می توان گفت که مجموع نمرات حاصل از آزمون، " نمره طلاق عاطفی" محسوب می شود.

به عبارت دیگر آیتم های این آزمون در برگیرنده عناصر یک آزمون واحد را تشکیل داده اند که به میزان بالایی یک چیز را می سنجند. لذا استفاده از این آزمون برای انجام مطالعات در حیطه ی طلاق عاطفی قابل اطمینان می باشد و پیشنهاد می شود که پژوهش های بیشتری در این زمینه انجام گیرد تا بتوان اطلاعات کامل تر و آمار های دقیق تری در مورد میزان شیوع طلاق عاطفی در جامعه و بررسی علل و پیامد های این آسیب اجتماعی به دست آورد. بررسی پیامد های طلاق عاطفی نشان می دهد میزان و نوع فشار ها و مشکلات روحی حاصل از طلاق عاطفی در زندگی زنان متفاوت بوده است و در برخی خانواده ها پیامد های شدیدتری تجربه شده است. بنابر این برای درمان طلاق عاطفی باید این تفاوت ها را در نظر داشت و در راستای پیشگیری از این آسیب خاموش یا حداقل کاهش پیامد ها و تنش هایی که ممکن است برای هریک از زوجین و فرزندان به بار آورد راه کار های مؤثری اندیشید.

منابع و مأخذ فارسی :

- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره. (۱۳۹۰). پیامد های طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن. فصلنامه ی خانواده پژوهی، شماره ۲۶.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره. طلاق عاطفی (۱۳۸۹). علل و شرایط مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳، صفحات ۱ تا ۲۰.

- بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه شناسی زندگی های خاموش در ایران (طلاق عاطفی). تهران: انتشارات پژوهاک جامعه.
- پورحسین، رضا. خسروی، نازنین (۱۳۹۰). برآورد روایی آزمون امدریافت خود، فرم ۱۰ سوالی، مجله علوم روانشناختی. شماره ۴۰.
- پیران، پرویز (۱۳۶۹). در پی تبیین جامعه شناختی طلاق: برخی ملاحظات روش شناختی. ماهنامه اجتماعی - اقتصادی رونق، شماره ۱.
- داگلاس، جو. (۱۳۸۳). مشاوره درباره کودکان خردسال. ترجمه نیره توکلی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ریاحی، محمد اسماعیل. علیوردینیا، اکبر. بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). پژوهش زنان. دوره ۵. شماره ۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). طلاق: پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاوایی، محمد و همکاران (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- مشکی، مهدی. شاه قاسمی، زهره. دلشاد نوقایی، علی. مسلم، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه ی شهزستان گناباد در سال های ۸۸-۱۳۸۷. افق دانش؛ فصلنامه ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد. دوره ی ۱۷. شماره ی ۱.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: انتشارات سمت.

منابع و مأخذ خارجی:

- Baumrin, B. (2012). Encyclopedia of Applied Ethics (Second Edition), 851-858.
- Besser, A., Flett, G. L., & Davis, R. A. (2003). Self-criticism, dependency, silencing the self, and loneliness: a test of a meditational model, personality and individual Differences, 35. 1735- 1752.
- Burns, D. D. (1980). The perfectionist's script for self-defeat. Psychology Today, 14, 34-52.

- Cramer, PH. (2003). Personality change in later adulthood is predicted by defense mechanism use in early adulthood. *Journal of research in personality*, 37. 76-104.
- Emery, R.E., Beam, C., Rowen, J. (2011). *Encyclopedia of Adolescence*, 10-17.
- Flett, G. I., Hewitt, P. L., Blankstein, K. R., & Mosher, S. W. (1991a). Perfectionism, self-actualisation, and personal adjustment. *Journal of Social Behavior and Personality Psychology*, 20, 85-94.
- Grandal, L., & Sandal, G. M. (2006). The two-factor model of social desirability: relation to coping and defense, and implications for health. *Personality and Individual Difference*, 40. 1051- 1061.
- Jerskey, Beth A., Matthew S. Panizzon, Kristen C. Jacobson, Michael C. Neale, Michael D. Grant, Mark Schultz, Seth A. Eisen, Ming T. Tsuang, Michael J. Lyons. (2010). Marriage and divorce: a genetic perspective. *Personality and Individual Differences*, Volume 49, Issue 5, Pages 473-478.
- Laur, Robert H., Laur, Jeanette C. (۲۰۰۷). *Marriage & Family : The Quest for Intimacy*, New York : Mc Graw Hill.
- Macintyre , Sally. (1992). The effects of family position and atatus on health. *Social Science & Medicine*, Volume 35, Issue 4, Pages 453-464.
- Markus, H. & Wurf, E. (1987). The Dynamic Self-concept: A Social psychological perspective, *Annual Review of Psychology*, 38, pp. 299-337.
- Neumeister, K. L. S, (2002). Perfectionism in gifted college student: family in fluencies and implication s for achievement, Dissertation submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of doctoral philosophy in psychology, university of atens.
- Pacht, A. R. (1984). Reflections on perfection. *American Psychologist*, 39, 386-390.
- Purkey, W. (1988) *An Overview of Self-concept Theory for Counselors*. U.S.A: Eric clearing house on counseling and personal service.

- Rice, G. K., & Lopez, G. F., & Vergara, D. (2004). Maladaptive perfectionism, adult attachment, and self-esteem in college students. *Journal of College Counseling*. Fall 2004. Volume.
- Shafran, R., & Mansell, W. (2001). Perfectionism Psychopathology: A review of Research and treatment. *Clinical Psychology Review*. 21, 879-905.
- Olson, David H., & Defrain, John (2006). *Marriage & Families*, New York : Mc Graw Hill.
- Palossari, U.K., Aro, H.M. (1995). Parental divorce, self esteem and depression: an intimate relationship as a protective factor in young adulthood. *Journal of Affective Disorders*, Volume 35, Issue 3, Pages 91-96.
- Stack, S. (2012). *Encyclopedia of Human Behavior (Second Edition)*, 716-723.
- Schoettle, Ulrich C., Cantwell, Dennis P. (1980). Children of divorce. *Journal of the American Academy of Child Psychiatry*, Volume 19, Issue 3, Pages 453-475.
- Tulisalo, U.K., Aro, H.M. (2000). Paternal remarriage as a modifier of proneness to depression in young adulthood. *Journal of Affective Disorders*, Volume 57, Issues 1° 3, Pages 179-184.
- Wallerstein, J.S. (2008). divorce. *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development*, Pages 412-421.
- Wyder, Marianne, Ward, Patrick, Diego De Leo. (2009). separation as a suicide risk factor. *Journal of Affective Disorders*, Volume 116, Issue 3, Pages 208-213.

آزمون سنجش طلاق عاطفی

جملات را به دقت بخوانید و درباره آن نظر بدهید. عدد ۵ بیشترین توافق و عدد ۱ کمترین توافق را نشان می دهد.

۱	اعتماد و اطمینان بین ما از بین رفته است .
۲	همسرم ترجیح می دهد وقتش را با دوستانش بگذراند و وقت زیادی را باهم سپری نمی کنیم
۳	من و همسرم نسبت به هم کمتر احساس مسولیت پذیری می کنیم
۴	مسئولیت پذیری من نسبت به همسرم خیلی کم است
۵	من و همسرم، نسبت به پرورش و تربیت فرزندانم بی تفاوت هستیم.
۶	ابراز احساسات و محبت بین من و همسرم، خیلی کم است.
۷	تاکنون چندین باره به طلاق وجدایی با همسرم فکر کرده ام .
۸	از ارتباط جنسی باهمسر، لذت زیادی نمی برم
۹	زندگی باهمسر را فقط تحمل می کنم
۱۰	مدتی است که دلنگ همسر نمی شوم
۱۱	من و همسرم به تغییرات ظاهری همدیگر زیاد توجه نمی کنیم و بر ایمان اهمیت ندارد
۱۲	گفتگو و صحبت با همسر، به من احساس خوبی نمی دهد و خیلی کم باهم صحبت می کنیم
۱۳	از نظر عاطفی، یکدیگر را حمایت نمی کنیم و هیچ هیجانی در رابطه ما نیست
۱۴	تنها در مقابل جمع، به یکدیگر احترام می گذاریم .
۱۵	درباره آینده زندگی مان کمتر صحبت می کنیم و هیچ احساسی نسبت به آینده زندگی مان نداریم
۱۶	بین من و همسر، بی تفاوتی حاکم است .
۱۷	در امور خانه باهم همکاری و مشارکت نمی کنیم
۱۸	همسرم واقعا مرا درک نمی کند .
۱۹	احساس می کنم من و همسر، علایق مشترکی نداریم
۲۰	احساس می کنم ای کاش با همسر ازدواج نمی کردم .
۲۱	با داشتن همسر، احساس تنهایی می کنم
۲۲	من و همسر به نیازها و خواسته های همدیگر بی توجه هستیم
۲۳	احساس می کنم زندگی مشترک ما بدون انگیزه و عادی شده است و رابطه ما تهی و بی محتواست
۲۴	من و همسر، جذابیت و علاقه نسبت به هم را از دست داده ایم
۲۵	روابط زناشویی ما در حال سستی و زوال است .
۲۶	توجه به لغزش ها و نقاط منفی و نادیده گرفتن ویژگی های مثبت در خانواده ما عادی شده است
۲۷	من و همسر جدا از هم می خواهیم
۲۸	ما معمولا باهم شوخی نمی کنیم
۲۹	من و همسر رابطه فیزیکی چندانی باهم نداریم
۳۰	من تمایلی به درخواست حمایت و محبت از همسر ندارم.
۳۱	احساس می کنم می توانم بدون همسرم براحتی زندگی کنم
۳۲	به ندرت از حال همدیگر خبردار می شویم